

بی‌ادبان خیابانی

واژه‌هایی مانند کودکان خیابانی، زنان خیابانی، مردان خیابانی حتما برای ما آشنا و مصادیق آن نیز احتمالا ملموس است...



واژه‌هایی مانند کودکان خیابانی، زنان خیابانی، مردان خیابانی حتما برای ما آشنا و مصادیق آن نیز احتمالا ملموس است. بسیاری از ما، در آمد و شد روزانه خود بویژه در شهرهای بزرگ شاهد مصداق‌هایی از کودکان و زنان و مردان خیابانی بوده‌ایم و هستیم. هر گاه یکی از این موارد را می‌بینیم، سری به تاسف تکان می‌دهیم و سعی می‌کنیم سریع از آن بگذریم و خود را گرفتار نکنیم. اما در کنار این واژه‌های خیابانی، اجازه دهید از واژه‌ای استفاده کنم که شاید تاکنون کسی از این تعبیر استفاده نکرده است. ادبیات خیابانی، در واقع همان واژه‌ای است که می‌خواهم به کار ببرم. مفهوم ادبیات خیابانی شاید برای شما نامانوس باشد. از امروز سعی کنید این واژه را به دایره لغات خود بیفزایید. این مفهوم گرچه در ظاهر بار ادبیاتی در خود دارد اما در واقع خود نوعی ناهنجاری اجتماعی محسوب می‌شود.

ادبیات خیابانی برخلاف زنان یا کودکان خیابانی متاسفانه در گستره شهرهای بزرگ یا همان کلانشهرها محدود نیست. ادبیات خیابانی همان بگو و مگوهای خیابانی است که رنگ و لعابی کاملا زشت به خود می‌گیرد و بسیاری از ما را وامی‌دارد که گوش‌های خود را ببندیم و بگذریم. برخی از ما را وامی‌دارد که بایستیم و بگوییم: مراقب باشید آقایان طرفین دعوا، اینجا محل گذر است. اینجا محل عبور زن و بچه مردم است. لطفا مودب باشید.

برخی را نیز وامی‌دارد که با عصبانیت و هیجان منفي ناشی از شنیدن کلمات رکیک وارد معرکه شده و در صورت نتیجه ندادن تذکر شفاهی با افرادی که از این ادبیات خیابانی نامانوس استفاده می‌کنند، گلاویز شوند. طبیعی است که سرنوشت این گلاویز شدن نیز بسته به شدت دعوا و مرافعه نامعلوم است و حتی ممکن است که باعث مصدومیت شخص یا اشخاصی شود که تنها قصدشان تذکر درباره به کار نبردن الفاظ نامناسب در محیط عمومی است.

متاسفانه به کارگیری الفاظ دور از شان جامعه و بکارگیری الفاظ رکیک و بی‌ادبانه که ما در این یادداشت نام آن را ادبیات خیابانی نهاده‌ایم تنها محدود به مرافعه‌های خیابانی نیست.

گرچه اوج این ادبیات و به کارگیری آن را در چنین مرافعه‌هایی به وفور دیده‌ایم اما متاسفانه شاهدیم که برخی از افراد و حتی برخی جوانان و نوجوانان و حتی کودکان، هنگام عبور و مرور در خیابان‌ها، کوچه‌ها و در شهرها و بویژه زمانی که به زعم خود در حال بگو و بخند هستند، براحته و بی‌پروا و با صدایی نه چندان آرام از الفاظ نامناسب خطاب به یکدیگر استفاده می‌کنند ولی شنونده این الفاظ، تمام کسانی هستند که در محدوده عبور و مرور آنان قرار دارند.

واکنش بسیاری از مردم به چنین صحنه‌ای تنها سکوت و سر به زیر انداختن و احتمالا یکی دو لعن و نفرین گفتن در دل، به کسانی است که چنین بی‌پروا در جمع و در کوچه و خیابان از ادبیات خیابانی استفاده می‌کنند و جالب این است که تاکنون ندیده‌ایم در مرافعه‌ها و اختلافاتی که در جامعه و در انتظار عمومی شکل می‌گیرد توجهی به این بخش از مرافعه بشود. مگر این که این نوع ادبیات خودش منشا درگیری شود.

در این صورت نیز به محتوای این کار و نفس زشت این عمل توجهی نمی‌شود و تنها نکات مورد بررسی عموماً، جراحات و لطمات فیزیکی قضیه است.

باید گفت که ادبیات خیابانی متاسفانه در بخشی از جامعه و در میان برخی از اقشار نوجوان و جوان ما در حال گسترش است و بسیار دیده‌ایم و شنیده‌ایم که این افراد براحته و مثل آب خوردن الفاظ نامناسب را در محیط‌های عمومی و در حضور زنان و کودکان و خانواده‌ها به کار می‌برند و نام آن را نیز شاید شوخی و تفریح می‌گذارند.

در گذشته شاید به واسطه پر رنگ بودن کنترل‌های اجتماعی از جانب بزرگسالان و حرف شنوی و حرمت‌گذاری به حرف آنان این حرکت انجام نمی‌شد یا اگر حرفی از دهان جوانی یا هر فردی در جمع بیرون می‌آمد، بلافاصله با تذکر و واکنش جدی بزرگسالان حتی ناشناس، مواجه می‌شد.

اما در حال حاضر با سست شدن این روند، همان‌طور که اشاره شد، متاسفانه در بسیاری موارد این گونه تذکرات از جانب دیگران به افرادی که مثل نقل و نبات حرف رکیک در انتظار عمومی می‌زنند ممکن است با واکنش آنان نیز مواجه شود.

بر این اساس بسیاری متاسفانه تنها شنونده این نوع ادبیات خیابانی هستیم و تنها سعی می‌کنیم سریع خود و خانواده را از آنان دور کنیم. براستی آیا در قوانین حقوقی و آیین دادرسی ما برای مقابله با ادبیات خیابانی و مخلان امنیت و آسایش مردم از این طریق، راهکاری هست؟ چه این راهکار باشد و چه نباشد روی اصلی سخن این است که باید در چنین موردی مانند تمام آسیب‌های اجتماعی دیگر به دنبال سرخ‌های اجتماعی سپس راهکارهای اجتماعی و مردمی آن بود و وگرنه برای هر بی‌ادب خیابانی که نمی‌توان پلیس گذاشت و قاضی تعیین کرد، می‌شود؟

کاش اگر خدای نکرده هرکدام از ما که این مطلب را می‌خوانیم تا به حال توجهی به این مساله نداشتیم و به دلیل جوانی و سن و سال کم یا حتی با وجود بزرگسالی به دلیل اهمال، مراقب ادبیات خیابانی خود نبوده‌ایم، با استفاده از حال و روز معنوی حاکم به واسطه ماه مبارک رمضان، بیشتر به آن فکر کنیم و این عمل غیراجتماعی را به احترام جامعه و مردم که ما نیز جزئی از آن هستیم، کنار

